

## توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و سوم  
اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۲۶۶فوتبال ایران در مقابل  
امپریالیسم انگلوساکسن و روز  
عزای ایرانیان خودفروخته

خبر تکان دهنده‌ای آمد که در مشهد مقدس که یکی از شهرهای مذهبی ایران است در مسابقه تیم ملی ایران با تیم ملی لبنان در آستانه ورود به جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر، از ورود زنان به این ورزشگاه نوساخته و مجهز علیرغم دعوت به شرکت آنها در تماشای مسابقات و علیرغم فروختن بلیط ورودی به آنها به نام نامی اسلام خودداری کرده‌اند و ماموران انتظامی در مقابل اعتراض برحق زنان برای متفرق نمودن آنان از اسپری فلفل و مجروح کردن زنان استفاده نموده‌اند. جای شکرش باقی است که مسئولان امر حداقل برخلاف دوران حکومت اصلاح‌طلبان از محلول اسید استفاده نکرده و همان بلائی را بر سر زنان ایران نیاورده‌اند که هم‌مسلمانان آنها در اصفهان بر سر زنان آوردند. آقای علم‌الهدی که نماینده ولی فقیه در آستان قدس رضوی و یکی از متحجرین مشهور دست اندر امور سیاسی و اقتصادی در ایران است در توجیه این روش زشت و توهین‌آمیز به نیمی از جمعیت ایران بیان کرد: «کسانی که برخی از افراد را به دلیل برخورد با بی‌حجابی، ضد زن معرفی می‌کنند، دشمن خدایند. باید همه‌ی حدود اسلام در تمام شئون زندگی ما اجرا شود، وگرنه اسلامیت نظام ضربه می‌خورد؛ این بدتر از ضربه خوردن جمهوریت است. حرام نباید به رسمیت شناخته شود.» برای این انسان مخبط ضربه خوردن تیم ملی ایران، ضربه خوردن هویت ملی ایران، ضربه خوردن نیمی از جمعیت ایران که در تمام خانواده‌ها حضور دارد، مهم نیست، ضربه خوردن به «اسلام» که آتیم الیگارشوی خصوصی آستان قدس رضوی و ماشین پولشویی این رکن سیاسی در درون کشور، آن را بی‌محاسبه... **ادامه در**

صفحه ۲

## نظم نوین جهانی بر گور بربریت امپریالیسم غرب رقم می‌خورد

حزب ما در تحلیل خود در مورد رخدادهای اوکراین به صراحت اشاره کرد که در پشت این رویدادها ما با تحولات ژرف‌تری روبرو هستیم که تمام جهان را تکان خواهد داد. با الهام از این تحلیل ما بر آن بودیم که اوضاع جهان کنونی را بر اساس وضعیت ژئوپلیتیکی، خصلت سیاسی و متحول دوران کنونی در جهان یعنی سربرآوردن چین، مقاومت روسیه پس از فروپاشی، جدائی هند از غرب و انقلاب ایران و تحولات منطقه باید بررسی کرد. بدون درک این تحولات که منجر به عصر جدیدی در دنیا خواهد بود، کسی نمی‌تواند در طرف درست تاریخ قرار بگیرد و انتخاب درستی انجام دهد. توازن قوای جهان برهم خورده است و این را واقعیت نشان می‌دهد. اروپای سر به زیر دیگر نمی‌تواند آینده خود را به سرنوشت در حال افول آمریکا گره زند. آسیا مجدداً به پا می‌خیزد و می‌رود که ارزش‌های دیگری را برای جامعه جهانی تعریف کند که متکی بر «موی بلوند» و «چشم آبی» نباشد و عمیقاً دوستی را به جای نفرت نژادی جایگزین نماید. هندی، ایرانی، افغانستانی، سری لانکائی، عرب، ترک، اندونزیائی... همانقدر ارزش داشته باشند که یک اوکرائینی، آلمانی و یا سوئدی ارزش دارند. انسان انسان است و پناهنده پناهنده، مهم نیست که در کجا، با چه رنگ و مذهب، با چه زبان و آداب و رسم‌ی به دنیا آمده‌اند.

نزاعی که امروز درگرفته است بر سر «کی‌یف» نیست گرچه «کی‌یف» بخشی از آن است. این نزاع می‌خواهد به نظمی که آمریکا برجهان با تجاوز به کشورها، با نقض منشور ملل متحد، با تجاوز به حق حاکمیت و تمامیت ارضی آنها تحمیل کرده است و آمریکا را آقای جهان جا می‌زند خاتمه دهد. نظمی که می‌رود جا بیفتد و به حاکمیت و امپراتوری دلار این کاغذ پاره‌ی بدون پشتوانه پایان دهد و مانع شود که آمریکا از طریق سازوکار چاپ و انتشار این پول، دسترنج مردم جهان را چپاول کند. جهان دیگر نباید و نمی‌تواند به مستعمره ناتو بدل شود. ناتو یک پیمان تجاوزکار نظامی برای برده کردن همه ملل است که سرکردگی آن را آمریکا با تهدید به قتل و کشتار با پهباد و یا بدون پهباد، با ترویج تروریسم و استفاده از وسایل کشتار جمعی در دست دارد و برای پیشروی آن به سمت شرق کره زمین حد مرزی نمی‌شناسد. پیشروی ناتو به سمت شرق در دوران صلح و کشاندن ممالکی که روسیه را محاط کرده‌اند آشکارا فرمان جنگ است و فقط نابینای سیاسی خود را به تجاهل می‌زند و همراه و همزبان تبلیغات آمریکا می‌شود.

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز دوشنبه گذشته در... **ادامه در صفحه ۳**

## ضربه مهلک به امپراتوری دلار، هدیه‌ای به ملت‌های جهان

همه شنیده‌اند و غرب هنوز از بهت بیرون نیامده است و در سردرگمی و نگرانی فرو می‌برد. چه اتفاقی افتاده است؟ پوتین یک بمب اتمی بدون رادیو آکتیو در بازار مالی جهان در خارج از اوکراین منفجر کرد. این اقدام که مدت‌هاست میان ممالک بریکس، در کنفرانس شانگهای، در منطقه اورو آسیا در باره آن بحث و تبادل نظر می‌شود این است که چگونه باید دلار بی‌پشتوانه و کاغذ پاره را به زباله‌دان تاریخ افکند و پول معادل و معتبری در جهان خلق کرد که جای امپراتوری غارتگر دلار را بگیرد. روسیه نخستین گام مهم و معتبر را در این عرصه برداشت و اعلام کرد که از این به بعد حامل‌های انرژی خویش را به روبل می‌فروشد.

همه دول غربی که تمام قراردادهای بین‌المللی را هر وقت که به نفع خودشان است پاره می‌کنند و به طرف محق قرارداد دشنام می‌دهند- نگاه کنید به قرارداد برجام، قرارداد ساختن نیروگاه هسته‌ای با آلمان، قرارداد تلغیظ اورانیوم با کارخانه اورودیف در فرانسه که بزرگ‌ترین مرکز غنی‌سازی دنیاست و ۱۰ درصد آن به ایران تعلق دارد، قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی که با کنسرسیومی به رهبری شرکت توتال فرانسه منعقد شده بود و... به یکباره اعلام کردند قرارداد را نمی‌شود یک طرفه ملغی کرد و در قرارداد میان روسیه و آلمان به صراحت آمده است که برای پرداخت هزینه گاز، نفت و ذغال سنگ باید یورو و دلار پرداخت کرد. به یکباره متون قراردادهای معتبر و قانونی شدند. دیگر قول و قرارها دارای اعتبارند مگر اینکه مربوط به گسترش ناتو به سمت شرق اروپا، محاصره روسیه و تجاوز به آن برای تجزیه روسیه و برده کردن ملل آسیا باشد. این منطق آدمخواران «متمدن» است. روسیه به رهبری پوتین که طبیعتاً از منافع امپریالیسم روس دفاع می‌کند ابراز داشت که توسط بانکی که آمریکا قادر نشده بود به علت نیاز اتحادیه اروپا به تجارت حامل‌های انرژی در تحریم‌ها و کمند «سویفت» وارد کند، پرداخت بهای نفت را می‌پذیرد. «سویفت» (SWIFT) انجمن ارتباطات مالی بین بانکی جهانی است که تراکنش‌های مالی و پرداخت‌های بین بانکی را در سراسر جهان انجام می‌دهد و تحت نظارت و کنترل آمریکاست. پوتین در این رابطه افزود مسئولان بانک باید در بازار ارز، روبل خریده و به شرکت‌ها و یا دولت روسیه روبل بپردازند. از این طریق در بازار عرضه و تقاضای ارز، تلاش برای خرید روبل افزایش یافته، بهای آن ترقی نموده و به تثبیت آن در مقابل یورو و دلار می‌انجامد و در عین حال از نظر عمق راهبردی نظام حکومت دلار نیز را درهم می‌ریزد. روسیه بدعتی گذارده که از این به بعد می‌شود در جهان با معادل جدیدی معامله کرد که نام آن روبل است. دولت روسیه اعلام کرد که روبل دارای پشتوانه طلاست و بهایش تنها به نوسانات طلا ربط دارد... **ادامه در صفحه ۵**

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

**فوتبال ایران ... دنباله از صفحه ۱**

و بی حساب می‌چرخاند مهم است. همین آقای علم‌الهدی در تاریخ ۳ بهمن ۱۴۰۰ برابر ۲۲ ژانویه ۲۰۲۲ در مورد فوتبال زنان و ایجاد قیومیت برای زنان ایران چنین گفته بود: «مسئولان فوتبال بیایند در ورزشگاه‌ها مکان‌هایی را مخصوص بانوان فراهم کنند که صیانت داشته باشند. زنان را باید صیانت کرد چه مانعی دارد از ورزشگاه فوتبال را ببینند.

... اینکه می‌گویند فیفا مجبور کرده است زنان باید تماشای بازی فوتبال شرکت کنند؛ شیطنتهای افراد بی‌دین و ضدانقلاب خارج‌نشین است که فیفا را تحریک کردند و گرنه فیفا به این کارها کار نداشت، حال زنان از تماشای فوتبال محروم باشند و تنها به تلویزیون اکتفا کنند؟ این نظام، نظام اسلامی است و مسئولان فوتبال بیایند در ورزشگاه‌ها مکان‌هایی را مخصوص بانوان فراهم کنند که صیانت داشته باشند و از هیجان او یک مرد هوس‌ران و چشم‌چران سوءاستفاده نکنند. زنان را باید صیانت کرد چه مانعی دارد از ورزشگاه فوتبال را ببیند اما باید از او صیانت شود». و امروز که حتما لاطنالات دیروز را فراموش کرده می‌گویند: «میدان چمن فوتبال و بازی فوتبال جای هیجان‌ها، شما که مرید آنجا می‌روید چقدر هیجان پیدا می‌کنید؟ خوب طبیعی است خانمی که، یا ۱۰ تا خانمی که اینها از نظر عاطفی و از نظر احساسی به مراتب از مردها حساس‌ترند و هیجان بیش‌تری پیدا می‌کنند. این هیجان و بروز و ظهورش را مراجع تقلید می‌گن حرامه»

تفاوت این لاطنالات سخیف با این رفتار روشن در عرض چند ماه نیازی به تصویب قطعنامه ندارد. نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی حتی برای توجیه عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها به آقایان نیز توهین کرده است و آنها را «هوس‌ران»، «چشم‌چران»، «سوءاستفاده‌چی» معرفی می‌نماید. از زاویه دید متحجر وی، حضور جمعی از هموطنان زن ما در ورزشگاه‌ها منجر به آن خواهد شد که اصل بازی فوتبال فراموش شود و زن و مرد در غیبت حضرت موسی جشنواره «سدوم و گومورا» برپا کرده در آغوش هم بغلتند و به تقدس بڑ اقدام کنند؟ باید از چنین ارواح برخاسته از قبور پرسید که چرا وی با بیرون آمدن خانم‌ها از منازلشان، حضور آنها در اجتماع، در مترو و اتوبوس، در اماکن خرید و... مخالف نیست؟ مگر برپائی «سدوم و گومورا» تنها در بازی فوتبال متحقق می‌شود؟ با این منطق و این درک از روابط اجتماعی و روابط زن و مرد باید خانم‌ها به اردوگاه‌های صیانت تبعید شوند و بر دروازه این اردوگاه‌های «اخلاق»، برای ممانعت از هجوم آقایان «چشم‌چران» و «هوس‌ران» نگهبانان امر به معروف و نهی از منکر با فرمان آتش به اختیار گنارند.

لایوشانی کردن رویدادهای مشهد مقدور نیست. دولت جمهوری اسلامی طبیعتا باید به این مسئله پاسخگو باشد. کسانی که از اسپری لفل استفاده کرده‌اند ماموران رسمی انتظامی بوده‌اند و نه لباس شخصی‌های مجهول‌الیه و سربازان غیبی امام‌زمان. این است که پای ارگان‌های دولتی نظیر شهرنایی، وزارت کشور، مسئولان کلان امور ورزشی در میان است. باید روشن شود که چه کسی تصمیم می‌گیرد و اجراء می‌کند و تابع موازین و قوانین کشوری است

و یا نیست؟ نقش آستان قدس رضوی چیست؟ باید روشن شود که این الیگارشی مافیائی در ایران مالیات می‌دهد یا نمی‌دهد و چگونه به خودش حق می‌دهد از ورود مالیات‌دهندگان این سرزمین به استادیوم ورزشی جلوگیری کرد؟ آیا استادیوم مشهد ملک خصوصی آستان قدس رضوی است و قوانین خصوصی خویش را داراست؟ آیا سیاست اجرای اقتصاد نئولیبرالی و خصوصی کردن همه زمینه‌های زندگی در ایران شامل تبعیض بین زن و مرد هم می‌شود و آستان قدس رضوی به اراده خود می‌تواند از ورود زنان به ورزشگاه‌های استان مخالفت کند؟

این اقدام ارواح خبیثه در امر ورزش ایران به حق موجی از نفرت در میان کاربران فضای مجازی ایجاد کرد که فقط به نفرت عمومی از دست این غارتگران روح و جان انسان‌ها منجر می‌گردد. این اقدام متحجران ضد منافع ملی ایران، در خدمت تحریم، تقویت جناح آمریکائی-انگلیسی در ایران بوده و در مغایرت کامل با منافع ملی ایران است.

علیرضا جهانبخش کاپیتان تیم ملی ایران در مورد غیبت تماشاگران خانم در بازی لبنان گفت: «قبل از بازی شنیده بودیم که بانوان می‌توانند امروز به ورزشگاه بیایند و از صمیم قلب خوشحال بودیم. در بازی با عراق مادر و خواهرم به ورزشگاه آمدند و توانستند بازی را از نزدیک ببینند و بازیکنان دیگر هم خوشحال بودند و با همسر و مادر خود توانستند این برد را به اشتراک بگذارند. نمی‌دانم چرا نباید بخشی از ورزشگاه به بانوان اختصاص پیدا کند و فکر نمی‌کنم اگر رخ می‌داد هم مشکلی پیش می‌آمد». یکی در شبکه‌های اجتماعی با خشم بسیار خطاب به مسئولین نوشت: «تفریح فقط حق آقاها و دخترخانم‌های شماست که فرستادید خارج عشق و حال. رعیت را چه به تفریح و خوشحالی!» و دیگری یاد کرد: «چند روز گذشته از مظلومیت و معصومیت دخترکان افغان گفتم که به نام دین از درس و مدرسه بازمانده‌اند و امروز در غم زنان و دختران ایرانی که به نام دین از کمترین حقوق اجتماعی خود محرومند». این است که حامیان نقابدار غرب در ایران ایجاد کرده‌اند.

البته باید توجه داشت که جامعه ایران حتی از زمان شاه نیز در مورد برخورد به مسئله ورزش زنان با محافظه‌کاری برخورد می‌کرد و این تفکر سنتی را خانواده‌های ایرانی به دوران حکومت جمهوری اسلامی نیز منتقل کرده‌اند. گفتن این واقعیت از آن جهت لازم است تا دشمنان ایران و نوکران اجنبی که می‌خواهند تصویر غیرواقعی از گذشته ایران ترسیم کنند برملا شوند و دروغ‌هایشان برای نسل جوان آشکار گردد. تحولی که ورزش ایران در دوران کنونی دارد صدارت بیش‌تر از دوران سلطنتی است و برای مردم ایران مایه افتخار است. حضور ملی پوش زنان ایران در عرصه مبارزات ورزشی جهانی اتفاقا رویه افزایش است و این زنان از نام‌آوران ورزش جهانند و همه به روی آنها حساب باز کرده‌اند. موفقیت ایران در بازی‌های المپیک گواه این واقعیت است. عملکرد کاروان ورزشی ایران در قبل از انقلاب ۴ طلا و بعد از انقلاب ۲۰ طلا بوده است. ایران در المپیک توکیو در سال ۲۰۲۰ به جایگاه ۲۷م در جهان رسید. بیاد داشته

باشیم که ایران این مقام‌های مهم ورزشی را علیرغم تضمینات موجود در ایران به دست آورده است. این افتخار ورزش ایران علیرغم تحریم ضدبشری خارجی و تضمینات مذهبی و ضدزن داخلی است.

شرکت زنان در ورزش یکی از دست‌آوردهای انقلاب ایران است. شرکت زنان در ورزش یک شعار انقلابی و ابزار مبارزه سیاسی بر ضد تبعیض داخلی و تحریم بیرحمانه و ضدبشری خارجی است. انقلاب تمام محدودیت‌های ذهنی و محافظه‌کارانه خانواده‌ها را درهم شکسته است. زنانی که قهرمانانه در جنگ شرکت کردند، در نمایشات سیاسی حضور داشتند و دارند و یک پای انقلاب ایران محسوب می‌شدند، با چه منطقی نباید در آردگاه‌های ورزشی حضور بیابند و از منافع ملی ایران، از شخصیت ایرانی، از هویت ملی ایران دفاع کنند. تاکی باید روحیه خودتحقیری ارتجاع جهانی را تحمل کرد و اصل اعتماد به نفس را به زیر پا گذارد. در بدو امر رژیم جمهوری اسلامی به طور کلی مخالف ورزش و شرکت انسان‌ها در مصاف‌های ورزشی بود. متحجران تنها با شمشیربازی، اسب سواری، تیراندازی که سنت پیامبر بود موافق بودند. پای لخت فوتبالیست‌ها را که موجب «تحریک جنسی» خانم‌ها می‌شد کسی نمی‌باید می‌دید. این لشکر جهل و تاریک‌اندیشی در مقابل مقاومت مردان و مبارزه و مقاومت سرسختانه لشکر زنان به عقب رانده شدند. رژیم جمهوری اسلامی در آغاز امر از هر تجمع ورزشی وحشت داشت. آنها آرزو می‌کردند که تیم‌های ورزشی ایران در مسابقات جهانی ببازند به منافع ملی ایران و احترام مردم کشور ما صدمه بخورد تا مبدا ناچار شوند در جنگ ورزشی به مصاف مردم رفته و شکست بخورند. اینکه ایران امروز می‌تواند در میدان‌های ورزشی جهان شرکت کند و از نام این کشور که در تاریخ جهان حک شده است، دفاع نماید، ناشی از مبارزه زنان و مردان این سرزمین است و هیچ رژیمی آنهم در قرن بیست یکم، در دورانی که رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی نقش ویژه‌ای ایفاء می‌کنند، قادر نخواهد بود جلوی این حرکت را سد کند.

آلمان‌ها بعد از شکست خفت‌بار در جنگ جهانی دوم و فضاخت ناسیونالیسم نژادپرستانه آلمانی همیشه در پی آن بودند که از احساسات ملی مردم برای ایجاد وحدت و همبستگی ملی استفاده کنند. آنها پیروزی تیم فوتبال آلمان در مرحله نهائی مسابقات سال ۱۹۵۴ در شهر برن در سوئیس را معجزه برن نام نهادند و همه حکام آلمان متفق‌القولند که این امر در ایجاد نخستین بیداری آلمان و تقویت روحیه و احساسات ملی مردم آلمان بعد از شکست تحقیرآمیز در جنگ جهانی دوم نقش مهمی ایفاء نموده است. حتی دولت آلمان با دادن رشوه کلان به نمایندگان کشور قطر در فیفا توانست رای آنها را برای برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ در آلمان که به تابستان افسانه‌ای مشهور شد به دست آورد و به جبران آن آلمان کشور قطر را به عنوان میزبان جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ معرفی کرده و مورد پشتیبانی قرار داد.

نفس برگزاری فوتبال در قطر نه تنها سیاسی، ... ادامه

در صفحه ۳

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران به دست مردم ایران**

**فوتبال ایران... دنباله از صفحه ۲**

بلکه بر کوهی از فساد و رشوه دهی استوار شده است. مافیای ورزش بر همه این مصاف‌های سیاسی رسماً و علناً نظارت کرده و دخالت می‌کند ورزش طبیعتاً یک امر سیاسی است و این امر در قطر به بهترین وجه و به صورت وقیحانه‌ای نشان داده می‌شود تا روسیه را از مصاف‌های ورزشی حذف کنند و اوکراین با حکمرانی نازیسیم و توهین به سایر ملل و مبلغ نفرت ملی و سرکوب اقلیت‌ها را بی‌توجه به احساسات عمومی که این کار ناشایست را محکوم می‌کنند به قطر وارد نمایند. فراموش نکنیم که همه ورزشگاه‌های قطر بخون کارگرانی بنا شده که مانند برده با آنها رفتار می‌شد و از دریافت دستمزد خود محروم بودند. یک هنرمند آلمانی که با خودفروخته‌های ایرانی کوچک‌ترین قربانی ندارد، با همکاری چندین اتحادیه انسان‌دوست در یک حرکت نمادین ۶۵۰۰ توپ پرشده با شن را جلوی مقر «فیفا» در زوریخ بر زمین گذاشت. این کار در اعتراض به کشته شدن ۶۵۰۰ کارگری بود که مانند برده، زیر نظارت برده‌داران، در قطر جان خود را از دست دادند. براساس برآورد نشریه گاردین ۶۵۰۰ کارگر مهاجر که در بازه‌های ۱۰ ساله از کشورهای هند، پاکستان، نپال، بنگلادش و سریلانکا برای ساخت‌وساز تاسیسات و ورزشگاه‌های جام جهانی ۲۰۲۲ به قطر آورده شده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند.

به طور میانگین هر هفته ۱۲ کارگر مهاجر از پنج کشور جان خود را از دست داده‌اند. روی توپ‌ها نوشته شده بود: «وجدان جهانی، تو لکه ننگی». ولی ایرانی جاسوس، خودفروخته، هوادار تحریم ایران در تمام زمینه‌ها، هوادار خفه کردن ایران و نابودی هر آن چه هویت ایرانی دارد است. آن ایرانی مبلغ و طالب تجاوز به ایران توسط اسرائیل و آمریکا همراه با ناتو به این فاجعه اعتراضی ندارد، فقط به شرکت تیم ایران اعتراض می‌کند. این عده اساساً وجدان ندارند تا ننگین باشد.

آری! نقض حقوق بشر در قطر فریاد می‌کشد، ولی کدام سازمان حقوق بشری را پیدا می‌کنید که حاضر باشد در مبارزه با سرکوب اقلیت‌ها و رفتار ضدبشری اروپا در برخورد به عراقی‌ها، ایرانی‌ها، سوریه‌ای‌ها، افغانستانی‌ها، هندی‌ها، روس‌ها به مخالفت با برگزاری فوتبال سیاسی تبلیغاتی در قطر بلند شود و فریاد قطر را تحریم کنید سر دهد. صنعت حقوق بشر سازی در اینجا از تولید می‌افتد. اکثر این سازمان‌ها و نهادها موسسه‌های تبلیغاتی برای انقلابات رنگین و خیانت ملی هستند. در این طیف، ایرانی‌های خائن و هوادار تحریم ورزش ایران نیز مانند همیشه جای می‌گیرند. هیچکدام از آنها به علت نقض حقوق بشر، تجویز برده‌داری و توحش قرون وسطائی حاضر نیستند خواهان تحریم فوتبال قطر شوند، ولی برای تحریم فوتبال ایران، دشمنی با هر چه ایرانی است سینه چاک می‌دهند و گلو می‌درند. مخالفت متحجران مذهبی با ورزش ایران و تضييع حق زنان ایران در بهره‌مندی از تمام امکانات کشورشان را باید در این بستر دید. این رفتار زشت حاکمیت جمهوری اسلامی تنها توهین به زنان کشور ما نیست، بلکه خیانت به منافع ملی ایران، تقویت اوپاشان خودفروخته

و جاسوس بیگانه در ایران و در خارج از ایران نیز هست. همین رفتارهاست که به خود فروختگانی نظیر معصومه علی‌نژاد قمی کلاً امکان سوء استفاده و فریب زنان ایران را - که برای یک امر حق مبارزه می‌کنند - می‌دهد. برای دشمنان ایران هرگز حقوق زنان ایران مطرح نیست، آنها با حقوق مردان ایران هم مخالفند زیرا دشمن ایران و منافع ملی ایران هستند... این جبهه دشمنان ایران که طیفی از «چپ» تا راست و اصلاح‌طلب و مافیای رفسنجانی و نظایر آنها را در برمی‌گیرد خواهان تحریم ایران، تضعیف ایران از نظر اقتصادی و نظامی، موافق برهم زدن روابط دوستانه ایران با همسایگان خود و نزدیکی نوکرمنشانه با آمریکا هستند. این طیف که هوادار تسلیم ایران در برجام بود، هوادار تغییر سیاست خارجی ایران به نفع اسرائیل و آمریکا در منطقه بود، مخالف قدرت و توان نظامی و آموزش فناوری جوانان ایران بود و از تجاوز غرب به ایران آگاهانه و یا ناآگاهانه دفاع می‌کرد، حال هوادار تحریم ورزش ایران شده است نه از آن جهت که دلش برای حقوق زنان ایران می‌سوزد، بلکه از آن جهت که دشمن ایران، نوکر آمریکا بوده و به ایرانی مستعمره علاقمند است که دستوراتش را از واشنگتن، لندن و تل آویو دریافت کند. معصومه علی‌نژاد که با افتخار خود را به جای معصومه «مسیح» می‌خواند که نامی جعلی است در تویتر خود نوشته است: «من با شادی‌های زودگذر دچار شعف کاذب نمی‌شوم بلکه با قدرت بیشتر در جهان فریاد خواهم زد؛ جمهوری اسلامی یک حکومت عادی نیست و فدراسیون‌های ورزشی ابزار سیاسی هستند برای عادی نشان دادن یک حکومت جنایتکار در جهان. وقتی حکومت عادی نیست، بخشی از عادی‌سازی این رژیم آپارتایدی نشویم».

نخست اینکه حکومت جمهوری اسلامی ایران علیرغم فساد، تبعیض جنسیتی، مذهبی و ارتجاعی بودنش اما حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی یا اسرائیل نیست. معصومه خانم معنای آپارتاید را نمی‌خواهد بداند زیرا به سیاست تبلیغ تحریم وی کمکی نمی‌کند. رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی حاکم بود و همچنین در کشور غاصب اسرائیل، کعبه مقدس ایشان. ایشان اگر در این زمینه نگرانی‌هایی دارد، باید با شرکت ورزشکاران اسرائیلی که همه سربازان ارتش جنایتکار اسرائیل هستند در آوردگاه‌های ورزشی جهانی مخالفت کند که نمی‌کند. ولی این خانم که به بلندگوی خودفروختگان و دروغگوهای ایرانی در خارج از کشور بدل شده است، از شادی مردم ایران که برای تیم ملی فوتبالشان راه یافتن آنها به بازی‌های جهانی و پیروزی احتمالی آنها بر آمریکا شادی می‌کنند ناراحت می‌شود و آنها را از شادی‌های زودگذر برحذر می‌دارد زیرا ایرانی‌ها طبیعتاً از پیروزی تیم محبوبشان در مقابل آمریکا و انگلستان سرشار از خوشحالی می‌شوند و این معصومه خانم‌های آمریکائی هستند که پیروزی ایران بر آمریکا را برنمی‌تابند و نگران روز شعف مردم ایران در خیابان‌های ایران هستند. مردم ایران باید از تیم ملی خود برای پیروزی بر کسانی که مردم ایران را تحریم کرده‌اند حمایت نمایند. این پیروزی برای ایران ارزش معنوی و سیاسی دارد.\*

**نظم نوین... دنباله از صفحه ۱**

تاریخ ۲۸ ماه مارس ۲۰۲۲ با شرکت در جلسه سه ماهه مدیر عامل میزگرد تجاری در واقع ماهیت جنگ در اوکراین را با اظهارات خویش برملا ساخت. هدف آمریکا از جنگ در اوکراین صلح نیست و همان تجاوز به روسیه از طریق گسیل ناتو به سمت شرق است. وی از «نظم جهانی نوین» صحبت کرد که با توجه به ظهور چین، قدرت گرفتن روسیه، مقاومت ممالک جهان در مقابل قلدرمنشی آمریکا در حال حاضر متزلزل شده است و این مغایر اصول سیاست خارجی آمریکاست که باید «آمریکا اول» باشد. آمریکا خواهان به درازا کشاندن جنگ در اوکراین است تا به زعم خودش روسیه را بر اساس آئین برژنسکی مشاور امنیتی جیمی کارتر به زانو در آورد و چین را خفه کند، جاده ابریشم را به گور بسپارد و مقررات خود را به ایران، هندوستان و به سایر مردم سه قاره مجدداً دیکته نماید.

امروز روشن است که جنگی که در اوکراین درگرفته است علیرغم میل اروپای قاره می‌باشد. هم آلمان و هم فرانسه داوطلبانه به آن نپیوسته‌اند. آمریکا عملاً در این جنگ از طریق ناتو شرکت دارد. آنها اوکراین را مدت‌ها قبل **ناتویزه** کرده بودند و ارتش آنها را در رزمایش‌های ناتو به عنوان مهمان عملاً شرکت می‌دادند. ارتش اوکراین در اسرائیل تعلیم می‌دید و پایگاه‌های نظامی عدیده با ذخایر عظیم مهمات جنگی و مدرن در اوکراین «بی‌طرف» و «مورد تجاوز» انبار کرده بود. آمریکا از طریق شبکه اطلاعاتی و تصاویر ماهواره‌ای، با شرکت مستقیم سربازان آمریکائی و یا ارتش خصوصی شرکت‌های خصوصی آمریکائی، زیر نظر پنتاگون در نبردهای شرق اوکراین شرکت دارد. تصاویر فراوانی از آنها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌گردد. گردان‌های متعلق به نازی‌های آژوف با الهام از رهبر معنویشان «استپان باندرا» که همدست هیتلر بوده و در ارتش هیتلر برضد شوروی سوسیالیستی در جنگ جهانی دوم می‌جنگید از طریق آمریکائی‌ها و ناتو آموزش نظامی دیده‌اند. آنها در جنگ اوکراین از مردم عادی روس تبار اوکراین برای مقابله با سربازان روسیه به عنوان **سپو بلا** استفاده کرده و در موقع فرار آنها را نژادپرستانه به قتل می‌رسانند. این ارتش آژوف یک باند جنایتکار است که بیش تر در منطقه غربی مشهور به گالیسی در اوکراین رشد یافته و حضور دارند و در کودتای «امیدان» در «کی‌یف» در سال ۲۰۱۴ زیر نظر خانم «ویکتوریا نولاند» (Victoria Nuland) دستیار سابق امور اروپایی و اورآسیایی وزارت خارجه ایالات متحده - و شخصی پرسابقه در وزارت امور خارجه ایالات متحده - دست داشتند. آنها پارلمان دموکراتیک و منتخب مردم اوکراین را مسلحانه اشغال کرده و با ضرب و جرح نمایندگان آنها را از مجلس بیرون ریخته و انتخابات قلابی خود را با تهدید و ارباب حاکم از جانب نازی‌ها به انجام رساندند. در اوکراین در زیر نظر ناتو یک کودتای ارتجاعی و ضدبشری نظامی صورت گرفت که هرگز مشروعیت نداشته و ندارد و نماینده عامه مردم اوکراین نیست. مردم اوکراین در یک انتخابات دموکراتیک زیر...**ادامه در صفحه ۴**

**امپریالیسم آمریکا تروریست، متجاوز، تشنج‌آفرین، ناقض حقوق اساسی انسان‌ها و دشمن شماره یک بشریت است.**

## نظم نوین... دنباله از صفحه ۳

نظر ناظران جهانی و از جمله اتحادیه اروپا که با قلدری در آن شرکت کرده بود، آقای ویکتور یانوکوویچ را انتخاب کردند که قربانی کودتا گردید. جو بایدن در سخنرانی اخیر خود بیان کرد: «همانطور که یکی از رهبران نظامی ما در یک نشست امنیتی اخیر به من گفت، ۶۰ میلیون نفر بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۰۰ جان خود را از دست دادند و از آن زمان ما نظم جهانی لیبرالی ایجاد کرده‌ایم که نظیرش مدت‌هاست دیده نشده است» و سپس افزود: «خیلی‌ها جان خود را از دست داده‌اند اما تقریباً تا به این اندازه جهان در هرج و مرج نبوده است و اکنون زمان تغییر همه چیز است.» سیاستی که امروز به اینجا کشیده است و مبنائی برای تغییر نظم جهانی خواهد شد از مدت‌ها قبل اعمال می‌شود. «جورج کنان» (George F. Kennan) دیپلمات، سیاستمدار، دانشمند و مورخ آمریکایی و مشهورترین معمار و مدافع سیاست مهار شوروی در طول جنگ سرد بر ضد شوروی، در مصاحبه‌ای به تاریخ دوم ماه مه سال ۱۹۹۸ با روزنامه نیویورک تایمز با پیش‌بینی شرایط امروز در مخالفت با گسترش ناتو به سوی شرق هشدار داد و بیان داشت: «این گسترش، آغاز جنگ سرد جدیدی است. روسیه به آن واکنش نشان خواهد داد. پیگیری این روند، اشتباهی ترازیک است.» وی در عین شاهده‌بودن پیوستن جمهوری چک، لهستان، مجارستان، جمهوری‌های منطقه بالتیک و رومانی به ناتوی تجاوزکار اظهار داشت: «اما بدترین اقدام آمریکا کوشش برای به عضویت درآوردن گرجستان و اوکراین در پیمان ناتو بود که مساله اصلی و حیاتی امنیت ملی روسیه به شمار می‌رفت.» پس روشن است که سیاست آمریکا با این پیش‌زمینه تاریخی از سال‌ها قبل یعنی پس از جدائی اوکراین از فدراسیون روسیه با نقض روح منشور سازمان ملل و تهدید امنیت کشور همسایه، طرح‌ریزی شده است و ربطی به واکنش اخیر روسیه در مقابل هجوم نازی‌های حاکم در اوکراین برای نسل‌کشی روس تبارها در اوکراین ندارد. کاسه صبر روس‌ها زمانی لبریز شد که صدای تیزکردن چاقو برای بریدن سرخود را در مرزهای اوکراین شنیدند و مصمم شدند دستان این نازی‌های گردن‌زن و چاقوکش را برای همیشه در اوکراین برای امنیت کشور همسایه قطع کنند. مگر این حق طبیعی را حتی همین منشور سازمان ملل متحد در فصل یک و در بند ۵۱ به رسمیت نشناخته است؟ «ماده ۵۱- در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند.» این اقدامات به هیچ‌وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت. «جالب است این بار این واکنش روسیه با وضعیت سیاسی جدیدی در دنیا مواجه شده است. و آن اینکه علیرغم مصیبت‌ها، نابسامانی‌ها، تلفات جانی انسان‌ها و آوارگی‌هایی که این جنگ به بار آورده است، که صد البته با هوچی‌بازی‌ها و

دروغ‌سازی‌ها و تبلیغات انحصارات امپریالیستی نیز همراه است، می‌رود که جهان به وضعیت کنونی، یعنی برتری قوای انگلوساکسن‌ها پایان دهد. البته نظم نوین جهانی بعد از فروپاشی شوروی آغاز شد و حمله به یوگسلاوی در مغایرت کامل با همه موازین جهانی و منشور سازمان ملل اقدام نخست برای خودنمایی و نمایش قلدری در این عرصه بود. آنها حتی بلغراد پایتخت غیرنظامی یوگسلاوی را بمباران کردند و سفارت چین را با خاک یکسان نمودند. یوگسلاوی به کشورهای قابل بلع تقسیم شد، همان خوابی که تجزیه‌طلبان جاسوس برای ایران دیده‌اند. سرنوشت یوگسلاوی باید برای همه جهان سرمشق می‌شد که چگونه می‌شود با نقض همه حقوق جهانی و منشور سازمان ملل که فاقد هرگونه ارزش عملی است جهان را بر اساس اراده آمریکا تقسیم کرد. در این جنایت رژیم جمهوری اسلامی حداقل آن زمان که اصلاح‌طلبان معترض کنونی در آن شرکت داشتند، شریک بود و در خارج مرزهای ایران با امپریالیسم آمریکا در قتل و جنایت همکاری می‌کرد. این اصلاح‌طلبان نوکر آمریکا، در آن دوران به سیاست خارجی ایران که در راستای سیاست‌های امپریالیسم غرب در یوگسلاوی و لیبی بود کوچک‌ترین اعتراضی نداشتند و آنرا تقویت می‌کردند. «کلاوس کینکل» (Klaus Kinkel) که از تاریخ ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ وزیر امور خارجه آلمان و از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ رئیس سازمان جاسوسی آلمان محسوب می‌شد در فردای تجاوز به یوگسلاوی و تجزیه این کشور به صراحت بیان کرد که آلمان هرگز به مرزهایی که بعد از سال ۱۹۱۷ در جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر در روسیه که به قهر در جهان کشیده شده است، تن در نخواهد داد و همه مرزها باید به تاریخ قبل از این رویدادها برگردانده شوند. یعنی آلمان تمامیت ارضی لهستان، جمهوری چک را نیز به رسمیت نمی‌شناسد. از همان تاریخ گروه‌های نازی را در آلمان تقویت کردند و به آنها تعلیمات نظامی دادند تا به عنوان ارتش غیررسمی در جنگ‌ها شرکت کنند و هزاران نفر از این جانیان را در جنگ یوگسلاوی مورد استفاده قرار داده و امروز از همان‌ها با سربازگیری در کوزوو برای شرکت در جنبش حمایت از نازیسم در اوکراین استفاده می‌کنند. سبیلی از مہمات جنگی روزانه به اوکراین سرازیر می‌شود و روسیه در واقع با نازی‌هایی در حال جنگ است که توسط ناتو و در راس آنها آمریکا تا دندان مسلح شده‌اند. جنگ در اوکراین جنگ با آمریکا برای استقرار نظم نوین در جهان است و برای همه دولت‌ها و ملت‌ها و حتی طبقه کارگر در جهان سرنوشت‌ساز بوده و جنبه حیاتی دارد. پیروزی ناتو پیروزی ارتجاع مطلق، پیروزی استعمار و نئولیبرالیسم و میلیتاریسم عربان است، ولی شکست ناتو گرچه نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری را در بر ندارد ولی فضائی ایجاد خواهد کرد که امکان رشد کشورها و مبارزه طبقاتی را فراهم می‌آورد. فضای چند قطبی بیش‌تر قابل تنفس است تا فضای خفقان‌آور یک قطبی که با امر و نهی شکل می‌گیرد و ملو از تحقیر و توهین است و سرنوشت کشورها، ملت‌ها و انقلاب‌ها در گرو تصمیم آقای جهان یعنی آمریکا و ناتوست. تضاد کار و سرمایه در بسیاری از ممالک در این فضا عمده می‌گردد و ما را به سوسیالیسم یک گام نزدیک‌تر خواهد کرد. نظم نوین آمریکا با یوگسلاوی شروع شد و با تجاوز به عراق به فرمان جرج بوش پدر رسماً اعلام

گردید. و از آن تاریخ عراق، لیبی، افغانستان، سوریه، یمن و ایران و بسیاری از ممالک جهان قربانی این نظم نوین شدند که اکنون به بن‌بست رسیده است. دنیای بعد از سرکوب نازی‌ها در اوکراین دنیای قبل از آن نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا حتی قادر نیست اکثریت ممالک جهان را در تحریم روسیه به دنبال خود بکشانند. اتحادیه اروپا گرچه برای رفع ترس مرتب بر طبل وحدت می‌کوبد ولی این وحدت توخالی است زیرا فقط معنای نوکری و سرسپردگی آمریکا را به دنبال دارد و این امری نیست که بورژوازی امپریالیستی اروپا خواهان آن باشد. آمریکا حتی حاضر نیست به اروپا و متحدان خود کوچک‌ترین امتیازی بدهد و خواهان سرسپردگی بلامنافع آنها است. جنگی که آمریکا برای ایجاد نظم نوین جهان برپا کرده است تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد. این جنگ نه تنها در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی به پیش می‌رود، بلکه عرصه‌های ورزشی، هنری، تبلیغاتی، رسانه‌ای، قضائی، حقوقی، موازین بین‌المللی، مراجع جهانی، علمی، فضائی، شیمیائی و میکروبی، هسته‌ای، تغذیه و مواد خوراکی، سوخت، همزیستی اجتماعی، نفرت‌پروری، نژادی و... را نیز در بر گرفته است. جنگ آمریکائی بسیار کثیف، ضدانسانی و خطرناک است و موجودیت کره زمین را تهدید می‌کند. جنگ آمریکا مغزها را با انحصار رسانه‌های دروغگویی غربی نشانه گرفته است مغزهای انسان‌ها را مرتب و مستمر در روز و شب بمباران تبلیغاتی می‌کند و انباری از جعلیات و دروغ تحویل مردم جهان می‌دهد و این خود نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا از مردم و نیروی لایزال آنها می‌ترسد و تحمیق و تهدید آنها را در سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داده است. روشن است که خلق‌ها و طبقه کارگر جهانی باید به این لجام گسیختگی ناتو افسار بزنند و انحلال ناتو را برای استقرار صلح در جهان طلب کنند. ناتو باید منحل شود، اوکراین باید به خواست‌های منطقی روسیه که بر اساس امنیت و احترام متقابل است تن در دهد و ممالک اروپا باید بتوانند آزادانه، بدون فشار آمریکا و ممالک قدرتمند اروپا نظیر انگلستان در بی‌طرفی کامل در احترام به حقوق اقلیت‌ها زندگی شرافتمندانه‌ای را آغاز کنند. باید بنای جامعه «تمدن» «مولودنها» و «چشم آبی‌ها»، جامعه‌ای که با آموزش نژادپرتر و نفرت‌زدبشری بنا شده است و هر روز در رسانه‌ها و فیلم‌های سینمایی تبلیغ می‌گردد درهم شکسته شود، باید جامعه اختراعی دروغین متکی بر «دموکراسی و ارزش‌های انسانی» که به عنوان «جامعه ارزشی» به خورد مردم می‌دهند و آن را دست‌آورد اروپا و غرب و استاندارد زندگی بشریت معرفی می‌کنند افشاء شود. این است آن نظم نوین جهانی که باید برگور نظم قدیم جهانی آمریکا و انگلستان و اسرائیل برپا شود. مردم جهان با افق‌های تازه‌ای از مبارزه امیدبخش روبرو می‌شوند. تفاهم برای واکنش روسیه نسبت به تهدید امنیتش، هرگز حمایت از ماهیت امپریالیستی روسیه نیست، مسرت سیاسی از وضعی است که اتحاد امپریالیست‌های غرب را درهم می‌ریزد، به تکبر نژادپرستانه آنها خاتمه می‌دهد و در مکتب تاریخ به آنها می‌آموزد که فروتنی را پیشه کنند، به حمایت از پیشینه استعماری خویش و تیره‌ها این دوران تاریک تاریخ بشریت نپردازند و به حقوق بشر و بشردوستی احترام بگذارند و توجه کنند اوکرائینی و ایرانی، سوئدی و عراقی، آمریکائی و یمنی همه انسان بوده و داری حقوق مساوی هستند.\*

## با تسلط رویونیسم در حزب طبقه کارگر، ماهیت پرولتاری حزب تغییر می‌کند

**ضربه مهلک ... دنباله از صفحه ۱**

پوتین در راستای گزینش استاندارد طلا برای روبل روسیه حرکتی اقتصادی برای بازگشت به دوران «برتن و ددز» انجام داد و تصمیم مهم و راهبردی سیاسی برای فروپاشی دلار در پیش گرفت. هر گرم طلا از نظر بانک مرکزی روسیه برابر است با ۵۰۰۰ روبل. این مانور سنجیده و آماده شده توسط روسیه، روز به روز ارزش ارزهای دیگر نسبت به روبل روسیه را کاهش خواهد داد. پوتین در واقع ماشین چاپ پول بانک‌های خصوصی را کفلرها را در آمریکا از کار انداخت. با این اقدام نه تنها دیگر هیچ تحریمی بر علیه روبل روسیه بخت پیروزی نخواهد داشت بلکه روبل روسیه با پشتوانه طلا مانند اسلحه‌ای جهت نابودی سامانه مالی بدون پشتوانه جهان عمل خواهد نمود. فراموش نکنیم روسیه جزو تولید کنندگان طلا نیز تلقی می‌شود. فراموش نکنیم که تمام ممالک جهان حتی پاره‌ای از ممالک اروپای غربی از اینکه آمریکا قادر است با فعال کردن و کنترل نظام بانکی کنترل و مبادلات مالی را از طریق سازوکار «سویفت» در دست بگیرد و فرمان صادر کند رضایت ندارند، زیرا حق حاکمیت ملی و استقلال رای آنها را محدود می‌نماید. کشورهای جهان خواهان درهم شکسته شدن سامانه «سویفت» هستند و اعمال تحریم‌های مالی را بر سایر کشورها محکوم می‌کنند و آن را در رای گیری اخیر خود بر ضد اعمال تحریم در سازمان ملل نشان دادند. این مولفه‌ها همه در خدمت اعمال سیاست پرداخت به روبل است و تعیین یک پول معادل جهانی با پشتوانه برای زندگی بهتر است. به نقل از خبرگزاری روسیه امروز اقتصاددانان از جمله کارین کنایسل اظهار نظر می‌کنند که: «خرید روبل در بازار ارز» چندان آسان نیست. به بیان دیگر خریداران باید روبل را مستقیماً از بانک مرکزی روسیه یا یک نهاد مرتبط با نرخ بهره تعیین شده توسط طرف روسی خریداری کنند. این بدان معناست که واردکنندگان یعنی تحریم کنندگان روسیه خودشان تحریم‌ها را تضعیف خواهند کرد. در بلندمدت، روبل می‌تواند بخشی از یک سبد ارزی جدید شود که در تجارت کالا و به طور کلی تجارت جهانی نقش دارد. این تثبیت روبل در جهان ضربه مهلکی به دلار و یورو زده است. روسیه به قبل از سال‌های ۱۹۷۱ که ریچارد نیکسون آمریکایی با یک کودتای ارزی دلار را از پشتوانه طلا جدا ساخت و آن را شناور اعلام کرد برمی‌گردد. این اقدام پوتین مورد تأیید چین، هندوستان، ایران و بسیاری ممالک دیگر نیز قرار گرفت تا بتوانند به معاملات تهازری و یا پذیرش یک ارز جهانی مانند یوان، روبل و یا روپیه و شاید حتی ریال در آینده بدون تحریم دست زنند. این بمب اتمی پوتین بازار جهانی ارز را منفجر کرده است و امپراتوری دلار در بسیاری از جبهه‌ها در هم شکسته و موجی از بحران در آمریکا و کشورهای که خود را به دلار وابسته کرده‌اند ایجاد خواهد کرد. باید منتظر کشمکش‌های سختی میان دولت‌ها و طبقات اجتماعی در ممالک سرمایه‌داری بود. دیگر ساده نخواهد بود که ممالک متروپل امپریالیستی غرب بار بحران‌های خویش را به دوش سایر ملل منتقل کنند. صندوق بین المللی پول با عنوان «تحریم‌ها دلار را تضعیف می‌کند - همزمان روبل به شدت در حال افزایش است». در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۲۲ نوشت: «بسته تنبیهی عظیم غرب، به رهبری واشنگتن، علیه فدراسیون روسیه به نظر می‌رسد که با ادامه افزایش شدید روبل، نتیجه معکوس داشته باشد.

کشورهای اروپای غربی اکنون باید تصمیم بگیرند که آیا در صورت قطع گاز روسیه، روبل را تقویت کنند یا شاهد سقوط بسیاری از صنایع شان باشند. به گفته «گیتا گوپینات» (Gita Gopinath)، معاون اول مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول: «تحریم‌های روسیه می‌تواند سلطه جهانی دلار آمریکا را تضعیف کند». «گیتا گوپینات» (Gita Gopinath) در مصاحبه‌ای با نشریه فایننشال تایمز در روز چهارشنبه گفت: «دلار مهم‌ترین ارز جهانی در این محیط باقی خواهد ماند، ولی تکه تکه شدنش در سطح کوچک‌تر کاملاً ممکن است». وی افزود که: «برخی از کشورها در حال حاضر در حال مذاکره مجدد در مورد ارزی هستند که برای تجارت با آنها پرداخت می‌شود. روسیه و هند در حال حاضر در حال آماده سازی سازوکار روپیه- روبل هستند که به آنها اجازه می‌دهد با ارزهای محلی خود معامله کنند و دلار را دور بزنند. برای فهم مسئله و تحلیل رویدادهای سیاسی اخیر باید مفاهیم را بسیار ساده کنیم و به عمق پدیده‌ها رسوخ نمائیم. پول کاغذی و یا سکه زمانی ارزش دارد و تنها کاغذ پاره نیست که بشود با آن خرید کرد، یعنی قدرت خرید داشته باشد. این قدرت خرید باید دارای اعتبار عمومی بوده و مورد قبول مردم باشد. شما وقتی از بانک یک کشوری پول کاغذی دریافت می‌کنید، تا قبل از سال ۱۹۷۱ این معنی را داشت که معادل همان مقدار پول کاغذی که دریافت کرده‌اید در گاو صندوق‌های بانک مرکزی طلا وجود داشته و لذا پشتوانه پول کاغذی شما طلا بوده که شما هر زمان که بخواهید می‌توانید آن را با طلا معاوضه کنید. در سده‌های ۱۹ و ۲۰، طلا نقش کلیدی در تراکنش‌های مالی بین‌المللی داشت. از استاندارد طلا برای حمایت از ارزها استفاده می‌شد. ارزش بین‌المللی ارز از طریق نسبت ثابتی که با طلا داشت سنجیده می‌شد. طلا در عین حال برای بازپرداخت‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گرفت. استاندارد طلا منجر به حفظ ثبات نرخ تبادلات ارزی می‌شد و این امری مطلوب بود چرا که ریسک تجارت بین‌المللی را کاهش می‌داد. این سامانه ارزی در بعد از جنگ جهانی دوم میان دول بزرگ و فاتحان جنگ به رهبری آمریکا تنظیم و تعیین شد و دلار جای پوند استرلینگ انگلیسی را گرفت. به این سامانه نظام «برتن و ددز» گفتند. آمریکا برای تأمین جنگ‌های تجاوزکارانه خویش، برای پرداخت بهای سلاح‌ها و تأمین هزینه‌های تسلیحاتی میلیاردها دلار بدون پشتوانه چاپ کرد و به بازار ریخت. حجم دلارهای در بازار بیش از مقدار طلائی بود که در بانک‌های آمریکائی نگهداری می‌شد و دولت آمریکا ضمانت معاوضه یک به یک آن با هر دلار را به عهده گرفته بود. جنگ ویتنام ضربه قطعی را به آمریکا زد و بحران دلار جهان را به نابودی تهدید می‌کرد. تمام ذخایر ارزی کشورها عملاً بی‌ارزش و بی‌اعتبار شده بودند. دولت آمریکا، بانک‌ها و کارشناسان اقتصادی تلاش کردند تا برای این وضعیت خطرناک راه حلی پیدا نمایند. در نوامبر ۱۹۶۸ همه تلاش‌ها برای حفظ ارزش طلا با شکست قطعی روبرو شد و معلوم شد نظام سابق «برتن و ددز» که مورد تأیید و تضمین غرب و به ویژه آمریکا قرار داشت دیگر کارگر نیست و به پایان امکانات خود رسیده است و سپس یک برنامه تازه برای تبدیل نظام «برتن و ددز» به یک سازوکار شناور پیشنهاد شد. این نظام باید بر پایه سیاست «پول بدون پشتوانه» و جدا کردن آن

از طلا برپا می‌شد. ارزش این پول بدون پشتوانه باید در بازار عرضه و تقاضا تعیین می‌گردید. آمریکا برای تعیین ارزش دلار در بازار بورس به تمهیداتی نیز متوسل شد و آن اینکه کشورهای مولد انرژی فسیلی را وادار کرد تا نفت خود را به دلار بفروشند و لذا ممالک سراسر جهان که به انرژی فسیلی نیاز داشتند ناچار بودند برای خرید دلار به بازار هجوم آورند که بهای دلار بدون پشتوانه را به پشتوانه وجود منابع انرژی در جهان افزایش می‌داد. آمریکا به حساب سایرین ثروتمند می‌شد. به این ترتیب آمریکا با ماشین چاپ بانک‌های کلان خصوصی «فدرال رزرو» آمریکا، پول بدون پشتوانه به صورت انبوه چاپ می‌کرد و به بازار می‌ریخت. ارزش‌های بازار را تصاحب و غارت می‌کرد. همه ممالک جهان در این شبکه عنکبوتی مالی غارتگرانه آمریکا در جهان گیر افتاده‌اند و هر کشوری که بخواهد از این اسارت خود را نجات دهد با تجاوز و سرکوب ارتش آمریکا روبرو می‌شود. آمریکا با ارتش خود و ارتش ناتو برای استیلای دلار بر جهان در حال آماده باش است. وقتی معمر قذافی رئیس‌جمهور کشور مستقل لیبی اعلام کرد که انرژی فسیلی کشورش را به دلار نمی‌فروشد وی را سرنگون کردند و همین بلا را بر سر صدام حسین درآوردند که می‌خواست نفت خود را با یورو بفروشد. آمریکا نمی‌پذیرد که بند سوءاستفاده و نوشیدن خون ملت‌ها توسط خودش پاره شود. در واقع پشتوانه پول آمریکا پنتاگون است و این سازوکار، قدرت خرید ظاهری دلار را تضمین می‌کند. همه دنیا برای آمریکا کار می‌کنند.

در مقاله ویکیدیا در مورد تاریخ این رویداد چنین می‌خوانید: «تراز منفی پرداخت‌ها، بدهی رو به افزایش دولت که حاصل از جنگ ویتنام و برنامه جامعه بزرگ بود و به تورم پولی وزارت خزانه‌داری منجر شد، ارزش دلار پیوسته افزایش یابد. کاهش ذخیره طلای آمریکا منجر به فروپاشی مخزن طلای لندن در مارس ۱۹۶۸ شد. پوشش طلای آمریکا از ۵۵٪ به ۲۲٪ در سال ۱۹۷۰ رسید. از دید اقتصاددانان نوکلاسیک، این وضع نشانگر عدم اعتماد دارندگان دلار به توانایی دولت آمریکا در کاستن بودجه و کسری تجاری بود. در ۱۹۷۱ دلارهای بیشتری در واشنگتن چاپ شد و به خارج فرستاده شد تا هزینه‌های برنامه‌های نظامی و اجتماعی دولت را پرداخت کنند. در شش ماهه نخست ۱۹۷۱، دارایی‌هایی به ارزش ۲۲ میلیارد دلار از آمریکا خارج شد. در پاسخ به این وضع، ریچارد نیکسون در ۱۵ اوت ۱۹۷۱ فرمان اجرایی ۱۱۶۱۵ را صادر کرد. این فرمان در پی قانون تثبیت اقتصادی سال ۱۹۷۰ صادر می‌شد و بر پایه آن دولت به طور یکسویه ۹۰ روز حقوق و قیمت‌ها را کنترل می‌کرد، ۱۰٪ بر مالیات واردات می‌افزود و از همه مهم‌تر «پنجره طلا» بسته می‌شد یعنی دیگر دلار مستقیماً به طلا قابل تبدیل نبود مگر اینکه این کار در بازار آزاد صورت می‌گرفت.» گرچه در عرصه رسانه‌ای و دروغ‌پردازی که غرب در آن تبحر فراوان دارد، روسیه برنده آن نیست و اتهامات واهی بسیاری به وی چسبانده‌اند که مدت‌ها زمان می‌برد تا این اتهامات هالیوودی برطرف شود، ولی روسیه در عرصه سیاست راهبردی اقتصادی بر سلطه بلامنارخ دلار پیروز شده است. جهان چند قطبی در عرصه مالی در حال شکل گرفتن است و آمریکای سلطه‌گر یکی از ابزارهای مهم هژمونیک خویش در دنیا را از دست خواهد داد. خداحافظ آمریکا.\*

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!**

## تف سر بالای...دنباله از صفحه ۸

و مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه وقت آمریکا بدون کوچکترین ناراحتی وجدان این جنایت را ستود و لازم ارزیابی کرد. آماری از کشتار انسان‌ها توسط سلاح تحریم در دست نیست، زیرا آمریکا از انتشار این حقایق با قدرت رسانه‌ای و نظامی خویش جلوگیری می‌کند. ممالکی در تحت تحریم و نسل‌کشی آمریکائی قرار دارند که عملاً با آمریکا در جنگند. این ممالک از جمله عبارتند: کره شمالی، کوبا، ونزوئلا، سوریه، فلسطین، یمن، افغانستان، ایران و... برای آمریکا مهم نیست که چند میلیون نفر جان خود را به علت تحریم آمریکائی از دست می‌دهند، مهم آن است که منافع جهانی این عفریت افسارگسیخته در سراسر کره زمین حفظ شود. میلیون‌ها کودک یمنی جانشان را از دست داده و جان باقیمانده آنها نیز در خطر است، ولی آمریکا به یاری همدستانش مانع از آن است که به محاصره بندرهای تجارتي در یمن خاتمه داده شود و آن بنادر از محاصره نظامی به در آمده، تا بشود به مردم این مناطق آب و غذا رسانید. تحریم یعنی جنایت، تحریم یعنی جنگ و نسل‌کشی، تحریم یعنی گرسنگی دادن به مردم و استفاده از یک ابزار استعماری و قرون وسطانی برای نیل به اهداف سیاسی.

فقط مشتی ایرانی جاسوس و خودفروخته در خارج از ایران که از مساعدت‌های مالی اتحادیه اروپا و صهیونیسم جهانی برخوردارند از تحریم ایران و جنایت علیه بشریت و مردم ایران حمایت می‌کنند. آنها نه تنها خواهان تحریم ایران در تمام زمینه‌ها هستند، از تجاوز آمریکا به ایران نیز حمایت می‌کنند. روشن است که خلق ایران در فردای انقلاب ایران از مجازات این همدستان جنایتکاران جهانی چشم نخواهد پوشید.

این وضعیتی بود که آمریکا را مغرور کرد و تصور می‌نمود که با این اسلحه در هر میدانی موفق خواهد بود. به این جهت به یک باره بیگدار به آب زد و با تکبر و رجزخوانی روسیه را تحریم کرد. در همان هجوم نخستین، روشن شد که آمریکا به علت وابستگی اروپا و حتی پاره‌ای صنایع آمریکا به منابع اولیه این کشور و به ویژه به حامل‌های انرژی قادر نیست بند تحریم را همه‌جانبه سفت کند. آنها سلاح سویت را برای مهار تجارت بانکی روسیه به کار گرفتند، ولی مجبور شدند در مواردی نیز استثنائاتی قابل شوند. روشن بود که روسیه کوبا و کره شمالی نیست. روسیه بزرگترین کشور جهان، دارای منابع فراوان کانی و غذائی در جهان است که نمی‌شود از استفاده از آن صرف‌نظر نمود. این اقدام حساب‌نشده آمریکا آنها و متحدانش را با مشکلات عدیده روبرو کرده است. شاید بشود چند کشور کوچک را تحریم کرد که نقش اساسی در معاملات و معادلات جهانی نداشته باشند، ولی اگر آمریکا شروع کند همه مخالفان خود را با سلاح تحریم سرکوب کند، آنوقت خودش در تنگ‌نالی خواهد افتاد که زنجیرهای تحریم دست و پای وی را نیز خواهد بست. کسی که در این ابعاد وسیع ممالک دیگر را تحریم می‌کند در واقع خودش را نیز تحریم کرده است و این وضعی است که مانند تف سر بالا برای آمریکا و یارانش شده است.

در بحث برجام برای رفع تحریم‌های ایران این مورد به طور مشخص میان ممالک استعماری با ایران مطرح شد. پرسش این بود که اگر از ایران رفع تحریم شود آیا ایران حق دارد با روسیه که تحت تحریم آمریکاست مبادلات

تجاری داشته باشد؟ مضحک می‌بود که تحریم‌های ضدبشری علیه ایران برداشته شود ولی چون بسیاری از ممالک دیگر بر اساسا خلق و خوی آمریکا تحت تحریم‌اند، ایران مجدداً حق ندارد از حدود اختیارات قانونی خود با توجه به منافع ملی خویش استفاده نمود و با آنها روابط تجاری، مالی و دیپلماتیک بر اساس حسن همجواری داشته باشد و هنوز هم باید به طور غیرمستقیم در تحت تاثیر تحریم‌های آمریکا باشد. تحریم‌های ایران برداشته شود ولی ایران حق ندارد با کوبا، ونزوئلا، کره شمالی، یمن، سوریه و... روابط تجاری داشته باشد؟! به این ترتیب ما با یک تحریم آشکار و تحریم درجه دو پنهان روبرو می‌شدیم. خوشبختانه این دسیسه شکست خورد.

علیرغم فعالیت‌های دیپلماتیک غرب در این مدت، در زیر بار کمرشکن دروغ‌های تبلیغاتی، که گویا مردم روسیه مانند عراق و یمن از گرسنگی «بشردوستانه» خواهند مرد، به جانی نرسیده است زیرا تنها ۴۸ کشور در تحریم‌های غرب علیه روسیه شرکت دارند و بسیاری از این کشورها نظیر «لیختن‌اشتاین»، «سان مارینو»، «آندورا»، «آنتیگوا و باربودا»، «بلیز»، «باربادوس» و... حتی نامشان به گوش کسی آشنا نیست. آنها همان کشورهای نخودی برای جمع‌آوری آراء در سازمان ملل متحد به نفع غرب هستند. کشورهای بی‌جمعیت و بی‌اهمیت.

ولی اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان مخالف تحریم‌اند. بیش از دو میلیارد چینی و هندی، صدها میلیون اندونزیایی، بنگلادشی، پاکستانی، ایرانی و... مخالف تحریم‌اند. ولی در روابط دیپلماتیک و اقتصادی این چین و هند هستند که سخن آخر را می‌گویند و نه «بلیز» و «آندورا».

نشریه «آینده ما» با عنوان «۱۴۵ کشور از تحریم روسیه پیروی نکردند» به قلم جرمان فارن پالیسی - ترجمه رضا نافعی نوشته است: «این فقط هند نیست که تلاش می‌کند، با وجود تحریم‌های غرب، روابط اقتصادی خود را با روسیه حفظ کند. در آفریقای جنوبی، گازپروم در حال مذاکره برای یک قرارداد چند میلیارد دلاری گاز طبیعی است. ترکیه به عنوان یک مرکز انتقال مسافر یا حمل و نقل کالاهای بازرگانی به روسیه فعال است. علاوه بر این، مولود جاووش اوغلو، وزیر امور خارجه، تأیید کرده است که الیگارشی‌های روسیه در انجام تجارت در ترکیه آزاد هستند. همین امر در مورد امارات متحده عربی نیز صدق می‌کند. امارات و عربستان سعودی همچنان از تسلیم شدن در برابر فشارهای غرب برای افزایش تولید نفت بیش از آنچه که برای تسهیل تحریم جهانی نفت علیه روسیه برنامه‌ریزی شده بود، خودداری می‌کنند. وزیر انرژی عربستان سعودی عبدالعزیز بن سلمان بن عبدالعزیز آل سعود روز چهارشنبه تکرار کرد که کشورهای «اپیک پلاس» مصمم هستند که اجازه ندهند ملاحظات سیاسی بر تصمیمات تولید آنها تأثیر بگذارد. تا به امروز، تعداد کشورهای شرکت کننده در تحریم‌های غرب علیه روسیه از ۴۸ کشور فراتر نرفته است - که بیش‌تر عبارتند از کشورهای اروپا و آمریکای شمالی و شش کشور از نزدیک‌ترین شرکای آنها در منطقه آسیا و اقیانوسیه. همه این کشورها کمتر از یک چهارم از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد هستند.» از این گذشته بسیاری از کشورهای شریک در تحریم اساساً نقشی در معاملات تجارتي با روسیه بازی

نمی‌کنند و در این نمایشنامه مسخره تنها نقش «نعلش» را ایفاء می‌کنند. این است که تحریم برضد روسیه به تحریم بر ضد آمریکا و غرب بدل شده و آنها را به شدت دستپاچه و نگران کرده است. هر روز که بیش‌تر می‌گذرد صدمات این تحریم‌ها برای غرب بیش‌تر هویدا می‌گردد. اگر غلات روسیه تحریم شود نه مردم روسیه و نه آمریکا از گرسنگی می‌میرند ولی در آسیا، آفریقا و حتی اروپا بسیاری جان خواهند داد. پس تحریم آمریکا ابزاری برای توسعه‌طلبی و اعمال نفوذ است که باید این دست تجاوزکار قطع گردد.

این تحریم‌ها چشم و گوش بسیاری از ممالک، حتی نزدیک‌ترین دوستان آمریکا و غرب را نسبتاً گشوده است. عدم تعهد آمریکا به وعده‌هایش، نقض همه موازین جهانی بدون شرمساری، شکست مفتضحانه آنها در افغانستان و فرار همدستان آنها که در حکومت بودند، نوع برخورد آمریکا به کسانی که تا دیروز متحد صمیمی‌اش محسوب می‌شدند و امروز در زیر بلدوزر «من اول» آمریکا له شده و به حساب نمی‌آیند و بسیار مولفه‌های دیگر سیاسی و اقتصادی این نظر را تقویت نموده است که به آمریکا نمی‌شود اعتماد کرد. آنها متحد قابل اعتماد کسی نیستند، غارتگرند و حتی برای مقاصد زودرس خود حاضرند نوکران خویش را به راحتی ذبح کنند و اموالش را به بهانه‌های مختلف بالا بکشند. عربستان سعودی و امارات متحده عربی، ترکیه و پاکستان نیز حاضر نیستند با طاب پوسیده آمریکا به ته چاه بروند و تازه آنها شاهد هستند که آمریکا خودسرانه، از بالای سر سازمان ملل متحد برای خود قانون می‌آفریند که تن دادن به آن همان شتر معروفی است که فردا در خانه آنها نیز خواهد خوابید. شمشیر داموکلس ۱۱ سپتامبر را بر بالای سر عربستان سعودی نگاه داشته‌اند تا از آنها باج بگیرند. این دوران باج‌خواهی از عربستان به پایان خویش نزدیک می‌شود. این است که اکثر ممالک جهان به یک مقابله دست زده‌اند تا این سلاح کشتار جمعی و خودسری راهزنانه را خنثی کنند. جهان را نمی‌شود تحریم کرد آنوقت نتایج آن به مبدع بازمی‌گردد.\*

### از کمک‌های مالی شما سپاسگزاریم خواننده عزیز!

حزب ما از همان بدو تاسیس بر نیروی خود متکی بوده و ننگ دریافت مساعدت مالی از دشمنان ملی و طبقاتی مردم ایران را هرگز نپذیرفته است. حزب ما همواره این اپوزیسیون تقلبی ایران را که از همه ممالک دشمن ایران و ایرانی اخذی کرده، هوادار تحریم و تجاوز به ایران است محکوم کرده و در مقابل جبهه ثروتمند و مفتخور و فریه شده از کمک‌های عربی، عبری و غربی ایستاده است. هر کمکی که شما به ما بکنید مبارزه‌ای علیه دشمنان ایران و خدمتی به منافع ملی ایران و بیان نفرت شما نسبت به اپوزیسیون خودفروخته ایران است. از یاری شما سپاسگزاریم.

مبلغ ۹۰ یورو در تاریخ ۲۰۲۱/۱۰/۰۵

مبلغ ۲۰۰ یورو در تاریخ ۲۰۲۱/۱۲/۲۱

مبلغ ۳۰۰ یورو در تاریخ ۲۰۲۲/۰۱/۰۷

مبلغ ۵۰ یورو از باینر

مبلغ ۵۰ یورو از جنوب آلمان

**پیمان تجاوز کار ناتو منحل باید گردد!**

## آمریکا بزرگترین... دنباله از صفحه ۸

که از دهانش خون فوران می کند اعتماد کرد.

مجله آلمانی اسپینگل در مورخ ۲۰۰۱/۱۱/۱۹ ذیل «تروریسم با سلاح های بیولوژیک، اتهامی است که آمریکا به عراق، ایران و سوریه می زند» نوشت: «ژنو - ایالات متحده از برنامه های احتمالی اسامه بن لادن رهبر تروریست ها برای دستیابی به سلاح های بیولوژیکی یا عوامل جنگی نگران است. جان بولتون، رئیس بخش مربوط به سلاح های بیولوژیک در وزارت امور خارجه آمریکا روز دوشنبه در ژنو گفت که بن لادن ممکن است، شاید با حمایت برخی از کشورها، تلاش کرده باشد تا حداقل یک توانایی اولیه تسلیحات بیولوژیکی را برای سازمان خود به دست آورد. ایالات متحده مظنون بود که کشورهایی مانند عراق، ایران، لیبی، کره شمالی، سوریه و سودان برنامه های تسلیحات بیولوژیکی را دنبال می کنند. بولتون در کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون تسلیحات بیولوژیکی سازمان ملل سخنرانی کرد. در ژوئیه گذشته، دولت ایالات متحده با رد پروتکل اجرای کنوانسیون تسلیحات بیولوژیکی ۱۹۷۲ که طی شش سال مورد مذاکره قرار گرفته بود، ۱۴۴ کشور امضاکننده را شوکه کرد. جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور ایالات متحده، پیشنهادهای کنترلی ارائه شده در آن را بی اثر توصیف کرد. «ژان لینت» (Jean Lint)، سفیر بلژیک در سازمان ملل متحد، به نمایندگی از جانب اتحادیه اروپا اظهار داشت که ۱۵ کشور عضو از گنجاندن «روش های تحقیقاتی» در توافقنامه جدید حمایت می کنند. کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد در پیامی گفت که حملات ۱۱ سپتامبر می توانست عواقب ویرانگری داشته باشد، اگر از سلاح های کشتار جمعی استفاده می شد. او گفت: «در چند هفته گذشته، جهان شاهد استفاده از عوامل جنگ بیولوژیک برای ایجاد هرج و مرج و وحشت بوده است. تحت تأثیر حملات سیاه زخم پس از ۱۱ سپتامبر، بوش خواستار رویه های کنترلی دقیق و اقدامات قانونی دقیق علیه نقض معاهده در ۱۴۴ کشور امضا کننده شده بود. کارشناسان خلع سلاح در ژنو گفتند آنچه که از آن زمان در پیشنهادات ایالات متحده دیده شده است، کمتر از پروتکل رد شده توسط ایالات متحده است.»

رادیو «دویچلندفونک» (Deutschlandfunk) از قول خانم «گزا لیهت شمیدت» (Gesa Liethschmidt) در تاریخ ۲۰۰۱/۱۱/۱۲ تحت عنوان «پس از شکست کنفرانس سلاح های زیستی» اعلام کرد:

«سوال این است که آیا اصلاً مذاکرات در مورد پروتکل الحاقی ادامه خواهد یافت؟ آمریکایی ها کاملاً به صراحت گفتند که این را نمی خواهند. و گفتند پروتکل

مرده، مرده، مرده است.»

امروز دولت روسیه مسئله راه اندازی سازوکار مشاوره تحت کنوانسیون منع سلاح های بیولوژیکی و سمی (BTWC) را مجدداً به میان کشیده است. معاهده ای که

تنها آمریکا در جهان با نظارت و کنترل بر آن مخالف است.

کوفی عنان در سخنان خود به حملات باکتری سیاه زخم «آنتراکس» (Anthrax) در آمریکا در سال ۲۰۰۱ اشاره می کند که در ایالات متحده در طول چند هفته پس از ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ (یک هفته پس از حملات به برج های دوقلو ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) انجام شد و این باکتری از طریق پست به در خانه بسیاری ارسال گردید. نامه های حاوی باکتری سیاه زخم به چندین شبکه خبری و سناتور ارسال شد تا بیش تر به هیجان عمومی کمک کند. پنج نفر جان خود را با این حملات تروریستی از دست دادند. بعد از تحریک افکار عمومی به حد مطلوب، فوراً بر طبق معمول اتهام متوجه مسلمانان، کوبائی ها و روس ها گردید و روزنامه های آمریکائی برضد آنها صفحات نژادپرستانه زیادی را سیاه کردند. آش به قدری شور بود که حتی مطبوعات اتحادیه اروپا نیز مجبور شدند به اظهار نظر بپردازند زیرا این قمار تبلیغاتی را بسیار خطرناک می دانستند. نشریات انگلیسی در همان موقع اعلام کردند که از نظر علمی امکان یافتن میدخ این باکتری ها موجود است، زیرا اندازه و نوع باکتری ها نشان می دهند که در کدام کشور و حتی در کدام آزمایشگاه تولید شده است و نمی شود آنرا به دیگران نسبت داد که این امر کار بسیار خطرناکی است. محل تولید این باکتری ها آزمایشگاه های معمولی نبوده، بلکه آزمایشگاه های نظامی هستند.

وقتی دستگاه های امنیتی و تبلیغاتی آمریکا زمینه را باب طبع خود کاملاً فراهم نمودند «قانون میهن پرستی ایالات متحده» (USA PATRIOT Act) که یک قانون ضد تروریسم بود به عنوان پیامد این ترور بیولوژیک در ۶ آگوست ۲۰۰۸ به تصویب رساندند. سپس اف بی آی FBI و وزارت دادگستری آمریکا به ناگهان موفق شدند شخصی را به نام «بروس ادواردز آیوینز» (Bruce Edwards Ivins) متهم به این ترورها نمایند که گویا تنها و سرخود به این اقدامات دست زده و با کسی نیز ارتباطی نداشته است. ولی این اکتشاف نوش داروی بعد از مرگ سهراب باید می آمد، زیرا یک هفته قبل از آن این فرد «معمولی» را خودکشی کردند.

اما این آقای «معمولی» «بروس ادواردز آیوینز» چه کسی بود؟ وی در ۲۲ آوریل ۱۹۴۶ در لبنان به دنیا آمده بود و در ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۸ نیز خودکشی اش کردند. وی میکروبیولوژیست، ایمونولوژیست و محقق سلاح های بیولوژیکی آمریکایی در موسسه تحقیقات پزشکی ارتش ایالات متحده آمریکا در زمینه بیماری های عفونی (United States Army Medical Research Institute of Infectious Diseases - USAMRIID) در «فورت دیتریک» (Fort Detrick) در ایالات مرلند بود. به گفته FBI و دادستان محلی، وی مظنون اصلی حملات سیاه زخم در سال ۲۰۰۱ بود.

اما خود «فورت دیتریک» (Fort Detrick) یک مکان

کلیدی نیروهای مسلح ایالات متحده در فردریک، مرلند است.

این مرکز یک مکان سری تحقیقاتی میکروبیولوژیک آمریکاست که حتی به اعتراف خودشان از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۶۹ از فورت دتریک برای توسعه و آزمایش سلاح های بیولوژیکی استفاده می شده است. بر اساس اطلاعات رسمی، تحقیقات در مورد پاتوژن های خطرناک برای اهداف دفاعی بعداً در آنجا انجام شده است. به نظر کارشناسان شواهدی وجود دارد که توسعه و ساخت سلاح های زیستی پس از سال ۱۹۶۹ در این محل ادامه یافته است. آزمایشگاه های بیولوژیک در اوکراین مستقیماً زیر نظر این محل و مرکز قرار داشته و مدیریت می شده است.

در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در مورد نقش پسر جو بایدن یعنی آقای هانتز بایدن در اوکراین و کلاهبرداری مالیاتی ایشان جنجال فراوانی صورت گرفت. در ۱۸ آوریل ۲۰۱۴، «شرکت سهامی بوریسما» (Burisma Holdings) در یک بیانیه مطبوعاتی انتصاب بایدن را به هیئت مدیره خود اعلام کرد. بوریسما بزرگترین تولیدکننده گاز غیردولتی در اوکراین بود. این حقیقت از حیثه فعالیت هانتز بایدن پرده بر می دارد.

«به نوشته خبرگزاری «اسپوتنیک»، بر اساس اسنادی که وزارت دفاع روسیه از ایمیل های «هانتز بایدن» پسر رئیس جمهور آمریکا به دست آورده است، او در سرمایه گذاری بر روی تحقیق آمریکایی ها درباره عوامل بیماری زای خطرناک در اوکراین نقشی کلیدی داشته است.

این خبرگزاری نوشت، اسناد وزارت دفاع روسیه نشان می دهد که بین پسر «جو بایدن» و کارکنان دفتر کاهش تهدیدات وزارت دفاع آمریکا و پیمانکاران پنتاگون ارتباطاتی وجود داشته است. به گفته «ایگور کرلیوف» فرمانده نیروهای دفاع در برابر تشعشعات و مواد شیمیایی و میکروبی روسیه، این ایمیل ها نشان می دهد هانتز بایدن در جذب سرمایه برای پیمانکاران آمریکایی از جمله «بلک اند ویچ» و «متابوتا» نقشی اساسی داشته و این شرکت ها را قادر می ساخته بر روی عوامل بیماری زا در اوکراین مطالعه کنند. سخنگوی وزارت دفاع روسیه گفت، رابرت پوپ ایده ساخت «خزانه مرکزی میکرو ارگانیزم های خطرناک اختصاصی» را در شهر کی یف مطرح کرده و «جوانا وینترال» رئیس دفتر آژانس کاهش خطرات در سفارت آمریکا در کی یف نیز هماهنگی ها میان پروژه های نظامی و زیست شناسی را در اوکراین بر عهده داشت. این مقام روس افزود: «تحت مدیریت این فرد (وینترال) آزمایش بر روی پاتوژن های مرگبار UP-۴، UP-۶ و UP-۸ در اوکراین اجرا شد که ویروس های سیاه زخم، تب کریمه- کنگو و لپتوسپیروز را شامل می شدند.»

این اسناد تکان دهنده دیگر قابل تکذیب نیستند.\*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۸۹ فروردین ۱۴۰۱

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می شود!

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

## تف سر بالای تحریم

سیاست تحریم، یک اسلحه جنگی- اقتصادی ضدبشری است. این سلاح را امپریالیسم آمریکا مرتب بر ضد مردم جهان به کار می‌برد و می‌برد تا آنها را وادار کند که مطیع گوش به فرمان اوامر آمریکا بوده و از منافع ملی خویش برای آسایش و رفاه سرمایه‌داران کلان آمریکا و توسعه‌طلبی آنها چشم‌پوشی کنند.

انسان‌ها را می‌شود به روش‌های گوناگون کشت، می‌شود آنها را تیرباران کرد، می‌توان گلوله‌های آلوده به اورانیوم رقیق‌شده بر سرشان ریخت، می‌توان آنها را با پهپاد تحت عنوان «بشردوستانه‌ی» مبارزه با تروریسم به نام تروریست ترور کرد و یا کشورشان را بمباران نمود، می‌توان از بمب‌های میکروبی، ناپالم، فسفوری و شیمیایی علیه آنها استفاده نمود و در عین حال می‌توان به آنها گرسنگی داد تا بمیرند. آمریکا همه این جنایات را در طول حضور شومش در جامعه جهانی انجام داده و از معجزات به علت قدرقدرتی مصون مانده است. در بیرحمی و بی‌شرمی این جنایت‌پیشگان «بشردوست» هرچه بگوئیم کم گفته‌ایم. تمام تجربه تاریخ بشریت در دوران معاصر گواه صحت نظریات ماست. نیم میلیون کودک عراقی در زمان حکومت صدام حسین به علت تحریم و محاصره اقتصادی عراق توسط آمریکا جان خود را از دست دادند... ادامه در صفحه ۶

## آمریکا بزرگترین جنایتکار تاریخ بشریت

## کشف سلاح‌های بیولوژیک آمریکا در اوکراین

گسیل لشکر تجاوزکار ناتو به شرق آغاز جنگ سرد و جنگ گرم بعد از فروپاشی شوروی در جهان بود. آمریکا به رهبری ناتو با برنامه‌ریزی و به حساب اتحادیه اروپا که دست‌نشانده آمریکاست، این سیاست جنگی و تجاوزکاران را با اعمال زور و تهدید به تدریج بر اساس دکترین برژینسکی به پیش برد. جنگ کنونی اوکراین در واقع از زمان نقض وعده غرب در عدم گسترش ناتو به سمت شرق صورت گرفت که طبیعی بود حق دفاع از خود دولت روسیه را منتفی نمی‌کرد. دولت نازی‌ها در اوکراین که پس از کودتای ۲۰۱۴ با قدرت نیروهای ضربتی نازی‌های «آزوف» و «استپان باندرا» به حکومت آمدند هرگز به خواست‌های منطقی، دوستانه، و صلح‌جویانه روسیه که بر اساس امنیت متقابل، حسن همجواری و روابط دوستانه بود تن در ندادند و به دنبال نسل‌کشی روس‌ها رفتند و تا ۱۶۰۰۰ نفر از آنها را کشتند. رهبران اوکراین اراده‌ای ندارند که در مورد صلح تصمیم بگیرند. پیشروی روسیه که با توجه به سیاست زدن کم‌ترین صدمه به مردم غیرنظامی و شهرها صورت می‌گیرد به کشف واقعیت‌هایی منجر شد که مو را بر بدن انسان‌ها و به ویژه ما ایرانی‌ها که قربانی سلاح‌های شیمیایی، آمریکا - آلمان - فرانسه در جنگ تحمیلی بودیم راست می‌کند. بر اساس اسناد به دست آمده آمریکا در اوکراین به ایجاد آزمایشگاه‌هایی برای تحقیقات ضدبشری و جنگی مبادرت ورزیده بود که تحت نظارت آمریکا و با همکاری دولت آلمان اداره می‌شد. دولت روسیه این آزمایشگاه‌ها را تصرف کرد، اسناد آن را منتشر نمود و علیرغم سکوت جنایتکارانه غرب «بشر دوست» و «دموکرات» مردم کشورهای جهان با این اسناد آشنا شدند.

خبرگزاری ایسنا در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۰ به اعترافات خانم «ویکتوریا نولاند» (Victoria Nuland) درباره وجود «تاسیسات بیولوژیکی» در اوکراین پرداخت. به گفته این خبرگزاری: «معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاست‌گذاری اعلام کرد که اوکراین دارای «تاسیسات تحقیقاتی بیولوژیکی» است و آمریکا نسبت به اینکه نیروهای روسی کنترل این تاسیسات را به دست بگیرند، نگران است.» خانم «ویکتوریا نولاند» این مطالب را در جریان جلسه استماع سنا عنوان داشت و اضافه نمود: «بنابراین ما با اوکراینی‌ها در حال کار بر روی چگونگی جلوگیری از افتادن هر یک از مواد تحقیقاتی به دست نیروهای روسی هستیم.»

وزارت دفاع روسیه اخیراً مدارکی را منتشر کرده که نشان می‌دهد که دولت اوکراین فوراً دستور داده تا اثرات هر آنچه که برنامه تسلیحات بیولوژیکی خوانده می‌شود، پاک‌سازی شود. براساس مدارک وزارت دفاع روسیه، آمریکا بیش از ۲۰۰ میلیون دلار برای بهره‌برداری از آزمایشگاه‌های بیولوژیکی در اوکراین هزینه کرده است.

اسنادی که از این آزمایشگاه‌ها بیرون آمده‌اند تکان‌دهنده‌اند و نشان می‌دهند که آمریکا در پی ساختن ویروس‌هایی است که بر روی ژن‌های معینی تأثیرات مخرب بگذارد. آنها با جمع‌آوری شناسنامه ژنوم (Genome) موجودات زنده قادر خواهند شد ژنوم روس‌ها، چینی‌ها، هندی‌ها، ایرانی‌ها، ترک‌ها، عرب‌ها و... را به دست آورند و با دستکاری در آنها از طریق اختراع ویروس و یا داروهای جدید به نابودی آنها موفق شوند. حال به قدری این فاجعه تکان‌دهنده است که روس‌ها آن را در شورای امنیت سازمان ملل نیز مطرح نمودند ولی رسانه‌های تحت کنترل و سانسور غرب از پخش آن خودداری می‌کنند. البته آمریکا فوراً به تکذیب این واقعیت‌های روشن و غیرقابل انکار دست زده است.

ولی تاریخ معاصر جهان چه نشان می‌دهد؟ ما به اسنادی که در کتاب «دکترین شوک» و سایر مقالات خبرنگاران و نویسندگان معتبر جهانی که نقش ارتش آمریکا را در استفاده از داروهای شیمیایی بر روی اسراء و شکنجه آنها منتشر شده‌اند، کاری نداریم. ولی مگر همین آمریکا نبود که ژاپن را با بمب اتمی کوبید، در کره شمالی از بمب‌های میکروبی و شیمیایی استفاده کرد، مگر در ویتنام بمب ناپالم نریخت، مگر گلوله‌های اورانیوم رقیق‌شده در تجاوز به یوگسلاوی و عراق مورد استفاده قرار نداد، مگر فلوجه در عراق را با بمب فسفوری نابود نکرد، مگر گاز خردل در اختیار صدام حسین برای کشتار ایرانی‌ها قرار نداد؟ چگونه می‌شود به ادعاهای این چوپان دروغگو... ادامه در صفحه ۷

## سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه‌ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساترشدن به یاری همه کمونیست‌های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع‌آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجائیم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00